

گزارش نشست علمی - تخصصی ۴۵

حکروایی، نظریه خیر عمومی و توسعه در ایران

مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

دفتر آموزش و ترویج

مجموعه گزارش شماره ۳۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش

عنوان	حکمروایی، نظریه خیر عمومی و توسعه در ایران
شماره شناسه	۱۴۰۰-۴-۱۰۳۵۰
مدیر علمی نشست	دکتر احمد صمیمی، مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور و رئیس شورای مشاورین و انجمن‌های تخصصی و صاحب‌نظران توسعه کشور
سخنرانان و اعضای هیئت علمی نشست	دکتر حسین رضایی دکتر غلامرضا جمشیدی‌ها دکتر علی ایمانی
بازخوانی و ویرایش	سیدمحمد شفيعی مدیرکل آموزش و ترویج
تاریخ برگزاری	۱۴۰۰/۰۳/۰۳
تاریخ انتشار	تابستان ۱۴۰۰
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران- خیابان نجات‌اللہی- خیابان سپند (استاد جعفر شهری)- پلاک ۱۶ شماره تماس: ۰۲۱-۴۳۳۰۶۰۰۰ شماره پیام‌رسان: ۰۹۹۲۱۵۷۵۸۴۳	
https://www.dfrc.ir/	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	دکتر علیرضا آزموده اردلان رئیس مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
۳	دکتر صمیمی
۳	مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور و رئیس شورای مشاورین
۵	حکمروایی، نظریه خیر عمومی و توسعه در ایران
۵	دکتر حسین رضایی، دکترای علوم سیاسی
۲۵	دولت / تمدن، حکمروایی و خیر عمومی
۲۵	دکتر جمشیدی‌ها، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
۲۹	خیر عمومی، انتخابات و مسئله حکمرانی
۲۹	دکتر علیرضا صالح مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور
۳۱	نظریه خیر عمومی به مثابه کنکاش در ساختار و کنش
۳۱	دکتر علی ایمانی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه
۳۴	تصاویر نشست

مقدمه

دکتر علیرضا آزموده اردلان

رئیس مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری



بسیار خوشحالیم این توفیق حاصل شد که بار دیگر در خدمت شما عزیزان باشیم. چهل و پنجمین نشست از سلسله نشست‌های علمی - تخصصی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری را با حضور جمعی از اساتید بزرگوار برگزار خواهیم کرد. هدف ما از برگزاری این جلسات، ایجاد فضای گفتمان، بحث و تبادل نظر حول موضوعاتی است که اساساً بر توسعه و پیشرفت کشور تأثیرگذار هستند. نشست امروز به نظریه خیر عمومی و ارتباط آن با توسعه اختصاص یافته است. این موضوع چندی پیش از سوی جناب آقای دکتر صمیمی پیشنهاد گردید و در اولویت برگزاری نشست‌های علمی - تخصصی قرار گرفت و از ایشان تقاضا شد که مدیریت نشست را بر عهده گیرند. سخنران این نشست جناب آقای دکتر رضایی و پنل مکمل گفتگو مزین به حضور جناب آقای دکتر جمشیدنیا، جناب آقای دکتر بایزید مردوخی و جناب آقای دکتر ایمانی است.

از جناب آقای دکتر صمیمی تقاضا می‌کنم که مدیریت نشست را بر عهده گرفته و آغازگر بحث باشند.

دکتر صمیمی

مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور و رئیس شورای مشاورین

و انجمن‌های تخصصی و صاحب‌نظران توسعه کشور



در مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده به دو حلقه مفقوده حکمروایی و منافع ملی در خصوص توسعه‌نیافتگی ایران اشاره شده است.

پرسش اصلی این است که آیا حرکت، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های ما به سمت منافع ملی است یا خیر؟ در دوره گذشته این پرسش به پیشنهاد تشکیل یک سازمان یا مرکز فراحرفه‌ای برای احصاء و اولویت‌گذاری منافع ملی منجر شد.

در نوع توسعه سیاسی به مفهومی با عنوان «خیر عمومی» برخوردیم. با مطالعه موضوع، این نتیجه حاصل شد که خیر عمومی با دو موضوع «حکمروایی» و «توسعه‌یافتگی» قرابت دارد و از طرف دیگر می‌تواند منافع ملی را به خوبی تعریف، احصاء و طبقه‌بندی کند.

در این راستا با رجوع به پایان‌نامه دکتر رضایی متوجه شدیم که در حوزه نظریه خیر عمومی انجام شده است؛ بنابراین، نکات خوب و مفیدی از این پایان‌نامه استنتاج شد. اگر سازمان این مسئله را به بحث حکمروایی و نظام تفکیکی و توسعه‌یافتگی ایران وصل کند، طبیعتاً یافته‌های خوب و شاید بتوان گفت مدل تلفیقی سه‌گانه به دست می‌آید که می‌تواند برخی از گره‌های توسعه در ایران را با تأکید بر سازوکار خیر عمومی و منافع ملی بگشاید.

حکمروایی، نظریه خیر عمومی و توسعه در ایران

دکتر حسین رضایی؛ دکترای علوم سیاسی

با ورود به مباحث علوم سیاسی ملاحظه می‌شود که مباحث حکمروایی جزء لاینفک آن است. حکمروایی فرایند تصمیم‌گیری برای جوامع در سطوح مختلف (ملی، منطقه‌ای و محلی) است، روشی که تصمیمات از طریق آن اجرا می‌شود. با این حال، دولت فقط یکی از بازیگران حکمرانی است. امروزه بازیگران دیگری نیز در امر حاکمیت دخیل هستند که ممکن است به خودی خود متناسب با نوع و ماهیت حکومت متفاوت باشند. به عنوان مثال در برخی از کشورها، دیگر بازیگران می‌توانند شامل صاحبان قدرت، سازمان‌های غیردولتی ((NGO / GO، سازمان‌های بین‌المللی (IO)، مؤسسات تحقیقاتی، رهبران مذهبی و نهادهای مذهبی، احزاب سیاسی و شبه نظامیان باشند. بنابراین سازمان‌ها یا اشخاصی غیر از سه قوه نیز می‌توانند به عنوان بخشی از جامعه مدنی با هم تشکیل گروه حاکمیتی و حکمروایی دهند.

حکمروایی مربوط به توانایی یک دولت در برنامه‌ریزی و خدمت به شهروندان است. این موارد از طریق برنامه‌هایی شامل قوانین، فرایندها و رفتارهایی است که به موجب آن منافع تأمین می‌شوند، منابع مدیریت شده و قدرت در جامعه به‌طور مشروع اعمال می‌گردد. از این منظر، مفاهیم حاکمیت قانون، دموکراسی و حکمروایی سنگ بنای دولت مدرن هستند. این سنگ بناها ساختار دولت و نهادهای آن، موقعیت نهادهای دولتی، شهروندان، قواعد و هنجارهای مناسبات بین دولت و شهروندان را تشکیل می‌دهند. مناسبات دولت و شهروندان به این جهت و با هدف چیزی شکل می‌گیرد که می‌توان از آن به‌عنوان خیر عمومی و منافع عمومی نیز یاد کرد. اساساً حکمروایی به دنبال تأمین منافع در حد مطلوب و بهینه آن است؛ نه برای یک بخش بلکه بخش عمومی، بخش خصوصی و بخش مدنی، همچنانکه هر بخش بازیگران خاص خود را دارند. این گونه است که می‌توان گفت شایسته چنین حکمروایی، یک برنامه‌ریزی تعاملی است.

خیر عمومی مفهومی است که به روش‌های مختلف و از منظر رویکردهای فلسفی، سیاسی، جامعه‌شناختی، اقتصادی و دینی تعریف شده و مورد ملاحظه قرار گرفته است. مجموع امور خیر و مطلوبی را که از طریق کنش‌های جمعی در طی یک دوره شکل گرفته و از طرف اکثریت اعضای آن جامعه، مطلوب، خواستنی و خیر به‌طور عام تلقی شود را می‌توان خیر عمومی نامید. به عبارت دیگر، آن نوع امور خیری که برای انسان‌ها ذاتاً، عمومی، خیر و مشترک بوده و آنها به وسیله این نوع دارایی یا میراث خیر با هم به کنش متقابل می‌پردازند و به‌صورت جمعی آنها را خیر می‌دانند مانند ارزش‌ها، فضایل مدنی، احساس عدالت و سایر امور خیر مادی که قابل تقلیل به منابع و امور قابل استفاده فردی نیستند، می‌توان با عنوان خیر عمومی تعریف کرد.

در بحث حکمروایی کلیدواژه‌ها، ادبیات و مفاهیمی را مطرح و از همه مهم‌تر بازیگران اصلی موضوع حکمروایی بیان می‌شود. همچنین به اختصار وضعیت پیش روی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به توسعه در ایران و مفهوم و ابعاد و چالش‌های آن اشاره می‌شود.

مفهوم خیر عمومی

طرز تلقی هر جامعه‌ای از مفهوم خیر عمومی علاوه بر تأثیرگذاری بر سرنوشت و سیاستگذاری در آن جامعه و تکوین ساختاری آن می‌تواند از مبانی و بنیان‌های خاصی نشئت گرفته باشد. بررسی و شناخت پایه و اساس شکل‌گیری نهادی این مفهوم در اندیشه‌های سیاسی می‌تواند در شناخت نحوه زیست جهان جمعی، ما را یاری رساند و در درک و فهم لسان این جوامع مؤثر و مفید باشد (سالواتوره، ۲۰۱۲: ۲۸). از این نظر می‌توان گفت که مسئله اساسی در اینجا برداشت و مفاهیم بنیادی اندیشه سیاسی از مفهوم خیر عمومی است. اندیشه سیاسی می‌تواند واقعیت سیاسی را بازتولید و برساخت نماید، لذا از منظر سیاسی می‌توان تبلور خیر عمومی را در بافتار جامعه و کنش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردمان هر جامعه‌ای ملاحظه نمود و تبلور عینی آنها را در نحوه برخورد و مواجهه با مسائل پیدا کرده و درجه توسعه و پیشرفت عمومی آن جوامع را نیز از این منظر مورد سنجش قرار داد.

خیر عمومی یا منافع مشترک برخلاف منافع شخصی افراد و یا بخشی از اقشار جامعه، منفعت عمومی کل جامعه را در بر می‌گیرد. از دوران دولت‌شهرهای یونان باستان از طریق فلسفه سیاسی معاصر، ایده خیر مشترک به این نکته اشاره کرده که ممکن است کالاهای خاص مانند امنیت و عدالت فقط از طریق شهروندی، اقدام جمعی و مشارکت فعال در آن حاصل شود. درواقع از طریق قلمرو عمومی سیاست و خدمات عمومی. در حقیقت، مفهوم منافع مشترک انکاری است که جامعه از افراد اتمی ساخته و در مقابل آن افراد باید در انزوا از یکدیگر زندگی می‌کردند، اما وقتی دور هم جمع می‌شوند منافع عمومی و خیر عمومی شکل می‌گیرد. در مقابل، طرفداران آن مدعی‌اند که مردم می‌توانند و باید زندگی خود را به عنوان شهروندان در روابط اجتماعی داشته باشند و حفظ کنند. دقیقاً تضاد و تناقض شکل‌گیری یک سیستم مبتنی بر خیر عمومی و یا لیبرالیسم فردی نیز از همین نقطه آغاز می‌شود و جدالی تاریخی را دامن زده است. چگونه می‌شود ضمن حفظ آزادی‌های فردی نظام مبتنی بر خیر عمومی را نیز تداوم بخشیده و جامعه عمل پوشاند؟

ریشه تاریخی این مفهوم در تئوری سیاسی جمهوری‌خواهی کاملاً آشکار است که ادعا کرده که خیر عمومی چیزی است که تنها با ابزار سیاسی و اقدام جمعی شهروندان شرکت‌کننده در خودمختاری خود حاصل می‌شود. در عین حال، مفهوم خیر عمومی به‌طور تنگاتنگ با ایده شهروندی، تعهد متقابل به کالاهای عمومی و ارزش عمل سیاسی به عنوان خدمات عمومی پیوند خورده، بنابراین، نقش مهمی در دفاع از ترتیبات جمهوری‌خواهانه نیز ایفا کرده است.

خیر عمومی به عنوان یک مفهوم فلسفی، بخشی از الگوی فراگیر برای استدلال عملی در بین اعضای یک جامعه سیاسی درک می‌شود. این مدل بدیهی است که شهروندان را در یک رابطه «سیاسی» یا «مدنی» با یکدیگر قرار داده و در این رابطه به آنها نیاز دارد تا به این دلیل که این امکانات به منافع مشترک تبدیل شوند و برخی امکانات را ایجاد و حفظ کنند. امکانات و منافع مربوطه در کنار هم منافع مشترک را تشکیل می‌دهند و به عنوان یک نقطه مشترک برای شورای سیاسی یا همان نهاد جامعه را قوام می‌بخشند. هنگامی که شهروندان با پرسش‌های مختلفی در مورد قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری عمومی یا مسئولیت اجتماعی روبه‌رو می‌شوند، این خواسته‌ها را با درخواست تجدیدنظر در مورد امکانات و علایق مربوطه مرتبط می‌سازند. چه اشکالی دارد در جامعه‌ای که اعضای آن از زندگی عمومی خارج می‌شوند، صرفاً بر زندگی شخصی خود تمرکز کنند؟ این‌ها برخی از پرسش‌هایی است که باعث ایجاد انگیزه در بحث‌های اندیشه سیاسی در مورد خیر عمومی می‌شود. اندیشه‌های سیاسی و سیاست‌گذاری عملی و دیپلماسی منافع ملی، متأثر از اندیشه‌های مرتبط با خیر عمومی است. از این نظر جریان‌ات و احزاب سیاسی بسته به رویکردشان به خیر عمومی در حوزه سیاست‌گذاری و دیپلماسی، اصول عملی و راهبردهای عینی را برای خود تعریف کرده و متأثر از آن پیش می‌برند (ریچاردن، ۱۹۹۶). چالش برداشت‌های متفاوت از این مفهوم را امروز نیز می‌توان مشاهده کرد، در سیاست روز هر جریانی خیر عمومی را در راهبرد خاصی از سیاست‌گذاری تعریف می‌کند. برخی نقش دولت و حاکمیت را پررنگ می‌دانند و برخی نهادهای مدنی، بازار و کنشگران فردی را تأمین‌کننده و حافظ منافع و خیر عمومی تلقی می‌کنند (پتیت، ۲۰۰۴). بنابراین، سیر مفهومی خیر عمومی علاوه بر تلازم و تلاقی با سایر مفاهیم دور و نزدیک مانند مصلحت عمومی، منافع عمومی، سیاست‌گذاری عمومی، حکمرانی مطلوب و خوب و مصالح عامه تعیین‌کننده سرنوشت سیاست‌های عمومی و ملی نیز بوده است. اهمیت و ضرورت این موضوع نیز از این قبیل موارد نشئت می‌گیرد که کنکاش مفهومی در آن تارنمای سیاست روز و اندیشه‌ورزی سیاسی را می‌تواند روشن‌تر کند.

با این توصیف؛ مفهوم خیر عمومی در این اینجا مورد کندوکاو قرار گرفته و نسبت آن با سایر مفاهیم ذکر شده است، به گونه‌ای که «خیر عمومی» به آن امکانات مادی، فرهنگی یا نهادی اشاره دارد که اعضای یک جامعه در آن اشتراک منافع دارند. برخی از نمونه‌های این اشتراک منافع، در یک دموکراسی لیبرال مدرن عبارتند از سیستم حمل و نقل جاده‌ای؛ پارک‌های عمومی، حفاظت و امنیت عمومی؛ دادگاه‌ها و سیستم قضایی؛ مدارس دولتی؛ موزه‌ها و مؤسسات فرهنگی؛ حمل و نقل عمومی؛ آزادی‌های مدنی، مانند آزادی بیان و آزادی اجتماعات؛ سیستم اموال؛ آب و هوای تمیز؛ و دفاع ملی.

این مفهوم بخشی از یک مدل جامع برای استدلال عملی در میان اعضای یک جامعه سیاسی در نظر گرفته می‌شود. این تعریف به وضوح نشان می‌دهد که شهروندان در رابطه «سیاسی» یا «مدنی» با یکدیگر متحد

هستند و این رابطه نیاز به ایجاد و نگهداری امکانات خاصی دارد؛ زیرا این امکانات منافع مشترک خاصی را تأمین می‌کند.

کلیدواژه‌ها و مفاهیم مرتبط: مشابهت‌ها و تمایزات

از آنجاکه خیر عمومی مانند سایر مفاهیمی که در بطن خود نظریاتی دارد با یک سری از مفاهیم، ارتباطات و اشتراکاتی دارد. در واقع خیر عمومی از مفاهیمی تشکیل می‌شود و واژگان گسترده‌ای دارد که به اختصار به برخی از آنها خواهیم پرداخت:

واژه منفعت در لغت به معنای سود و بهره آمده است و عاید و خلاف مضرت (دهخدا، ۷۷۱۱). منفعت در این معنا از لحاظ ماهیت، به منفعت مادی و منفعت معنوی، از لحاظ سطح و دایره شمول به منفعت فردی، منفعت گروهی، منفعت عمومی، منفعت (منافع) ملی و منفعت جمعی (منافع بین‌المللی) و از لحاظ موضوع به منفعت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی قابل تقسیم است. سطحی از سود و فایده تلقی می‌شود که همگان یا عموم «منفعت عمومی»، از این لحاظ افراد جامعه از آن برخوردار خواهند بود یا اموری که منفعت و فایده آن عاید عموم افراد جامعه می‌شود.

مفهوم نفع عمومی یکی از مهم‌ترین مفاهیم در حقوق عمومی و اساسی کشورهای جهان است. حتی در تاریخ یونان و روم باستان نیز این مفهوم مطرح و کاربرد داشته است. تعاریف و تحلیل‌های گسترده و گوناگونی از این مفهوم در تاریخ اندیشه سیاسی غرب و اسلام، به‌ویژه در مذهب شیعه صورت گرفته است. اما می‌توان گفت در حقوق عمومی مدرن و معاصر، منافع عمومی به معنی مشارکت آزاد و برابر مردم یک کشور در ایجاد و اداره دموکراتیک جامعه سازمان یافته سیاسی (دولت) برای تحقق منافع عمومی و خیر مشترک است.

از لحاظ مفهومی، دایره شمول مصلحت، مضیق‌تر از منفعت و خیر عمومی است؛ بلکه تنها منافعی را در بر می‌گیرد که «منفعت» در بر نمی‌گیرد، چراکه مصلحت (به‌ویژه در معنای شرعی آن) بیانگر اصولی واحد است و همه افراد نوع انسان را شامل می‌شود، در حالی که منفعت به تناسب واحدهای سیاسی، مصادیق متنوعی به خود می‌گیرد (افتخاری، ۱۳۷۷) از جهت مبنایی، منفعت مفهومی پوزیتیویستی است و معیارهایی صرفاً مادی و عینی دارد. در حالی که مصلحت (به‌ویژه در نگاه درون دینی) حاوی معیارها و ضوابطی فرامادی است.

واژه Policy که در زبان فارسی به معنای سیاست یا خط‌مشی معنا شده است، وقتی در کنار واژه Public به معنای عمومی قرار گیرد، شاخه‌ای از دانش را با عنوان علم دولت در عمل تشکیل می‌دهد؛ که برخی آن را زیرمجموعه علم سیاست و برخی نیز علمی مستقل قلمداد می‌کنند (ملک محمدی، ۱۳۸۳). این دانش، به مطالعه و تحلیل عمل دولت‌ها می‌پردازد. سیاست‌گذاری‌های عمومی در واقع، تجلی اداره حکومت در عمل است؛ که آن‌ها را می‌توان به عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمالی که قابل

نسبت دادن به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی‌اند در نظر گرفت و از این نظر با مفهوم خیر عمومی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد و عملاً در تعریف و برداشت از آن مؤثر است. کالای عمومی (Public commodity) کالایی است که همه، دسته‌جمعی از آن بهره می‌برند به طوری که مصرف هر فرد از چنین کالایی، کاهشی در مصرف دیگران از آن پدید نمی‌آورد یا کالایی که جلوگیری از مصرف آن توسط یک فرد، منوط به محرومیت دیگران از مصرف همان کالا باشد (مریدی و نوروزی، ۵۱-۵۵). اقتصاددانان، کالاهای عمومی را یکی از عوامل شکست بازار معرفی کرده و از این منظر آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. مفهوم و تئوری کالاهای عمومی، ایده‌ای اقتصادی است و صرفاً از منظر اقتصادی و اثرات مالی، این مفهوم را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ در حالی که در منفعت عمومی، ما با ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روبه‌رو هستیم؛ به این معنا که هر چیزی که باشد (اعم از این که این ارزش به دلیل باورهای «ارزش» و «فایده» برای همگان، حاوی اخلاقی برای جامعه باشد یا عادات اجتماعی و...) مورد توجه بوده و در دایره شمول منفعت عمومی قرار می‌گیرد.

در اینجا فهرست‌وار به برخی از مفاهیم مرتبط با خیر عمومی اشاره شده است:

- خیر عمومی^۱
- خیرات مشترک^۲
- خیر جمعی^۳
- منافع مشترک^۴
- مصالح عمومی^۵
- کالاهای عمومی^۶
- سیاست‌گذاری عمومی^۷ و نظایر آن

علاوه بر مفاهیم مثبت دایره مفهوم خیر عمومی، مفاهیم منفی مقابل خیر عمومی هم وجود دارد که مفهوم تضاد مرتبط با خیر عمومی را مشخص می‌کند. از جمله مباحث و موضوعات ضررهای عمومی، آسیب‌های جمعی و شرهای جمعی و عمومی؛ بنابراین مفاهیم مثبت و منفی بر دایره خیر عمومی سوار است. برای قرار دادن مفاهیم مرتبط و مشترک و همچنین مثبت و منفی در کنار یکدیگر باید تعریف جامع ارائه شود. می‌توان اشاره کرد که «خیر عمومی در واقع چرخ پوششی برای تمام امور خیری است که از طریق کنش‌های جمعی به واسطه اکثریت جامعه دنبال می‌شود. مطلوب، خواستنی و عام است و عمومیت دارد. اشتراک و خیریت در آن ذاتی است و

1. Common Goods
2. Public Goods
3. Collective Goods
4. Public Benefits
5. General Goods
6. Public commodity
7. Public policy

به طور کلی همواره به صلاح جامعه و فرد تمام می‌شود». در این تعریف می‌توان مؤلفه‌های عمومی را نیز ملاحظه کرد که برای فرد و جامعه همواره مطلوب و خیر است، اما خیرات دیگر ممکن است در زمانی خیر و در یک زمان دیگر بدون خیر باشد. لذا طبیعی است که از انواع خیر عمومی سخن به میان آورد.

انواع خیر عمومی

از بین متفکران اسلامی ابن مسکویه کسی است که در آثارش برای خیر انواعی را برشمرده است که عبارتند از:

- خیر عام و غیرعام
- خیر عمومی و شرّ عمومی
- خیر غایات و خیر غیرغایات
- خیر ذاتی و عرضی
- خیر مطلق و غیرمطلق

۱- خیر غایات و خیر غیرغایات مسکویه در گام اول خیرات را به دو قسم تقسیم می‌کند: خیر غایات و خیر غیرغایات؛ و در گام دیگر خیر غایات را به دو قسم تقسیم می‌کند: تام و غیرتام. خیر غایت تام: مراد از آن خیری است که اگر انسان آن را به دست آورد، نیازمند به افزودن چیزی دیگر بر آن نیست. مسکویه سعادت را به عنوان مصداق خیر غایت تام ذکر می‌کند. خیر غایت غیرتام: مقصود از آن خیری است که اگر انسان به آن دست یابد، به افزایش امور دیگر نیازمند است. او علاج، تعلم و ریاضت کشیدن را به عنوان نمونه‌ها و مثال‌های خیر غایت غیرتام معرفی می‌کند (۱۶، ص ۸۴).

۲- خیر در جواهر و خیر در اعراض مسکویه از جهت دیگر خیرات را در گام نخست به دو قسم خیرات در جواهر و خیرات در اعراض تقسیم می‌کند؛ و سپس خیرات در اعراض را به اقسام مختلف خیر در کمیت، خیر در کیفیت و خیر در سایر مقولات عرضی تقسیم می‌کند؛ و او بر این باور است که خیر در مقولات برخی مانند قوا و ملکات هستند و برخی مانند احوال و برخی مانند افعال و برخی مانند غایات و برخی مانند مواد و پاره‌ای مثل ابزار هستند. مسکویه برای تبیین منظورش می‌گوید: مراد از خیر در جواهر، خدا (جوهر) که خیر اول است، زیرا همه اشیا از روی شوق به جانب حضرت حق در حرکت هستند و سرانجام خیرات الهی مثل بقا، سرمدیت و تمام بودن مختص حضرت حق است. او در جهت توضیح خیرات در اعراض، مثال‌های مختلف ذکر می‌کند (۱۶، ص ۸۵).

۳- خیر مطلق و غیرمطلق: مسکویه از جهت دیگر خیر را به دو قسم مطلق و غیرمطلق تقسیم می‌کند. مراد او از خیر مطلق خیری است که در همه اوقات و برای همه مردم و از همه جهات خیر هستند و مقصودش از خیر

غیرمطلق (نسبی) خیری است که در زمان ضرورت و اتفاقی که برای برخی از مردم رخ می‌دهد خیر هستند و برای همه مردم و از همه جهات و همه زمان‌ها خیر نیستند (۱۶، ص ۸۴-۸۵).

۴- خیر عام و غیرعام مسکویه از جهت دیگر خیر را به خیر عام و غیرعام تقسیم می‌کند و مرادش از خیر عام خیری است که همه مردم آن را از روی شوق قصد می‌کنند و همه طالب وصول بدان هستند و خیر عام واجد طبیعتی است که مقصود همه مردم است و دارای ذات و وجود مستقل است. به بیان دیگر، خیر عام خیری است که برای مردم از آن جهت که مردم هستند عمومیت دارد و همه مردم در آن مشترک هستند. بر اساس تعریف خیر عام، تعریف غیرعام (خاص) مشخص می‌شود و آن خیری است که مطلوب و مقصود برخی از مردم است و همه طالب دستیابی بدان نیستند (۱۶، ص ۸۳؛ ۳، ص ۲۲-۳۳). مسکویه برای خیر اقسام مختلف دیگری مثل خیرات شریف، ممدوح، بالقوه و نافع در طریق خیر (۱۶، ص ۸۴) خیر معقول و محسوس (۱۶، ص ۸۵) و از جهت اثرگذاری نیز خیرات را به چهار قسم (۱۶، ص ۸۴) تقسیم می‌کند.

تحلیل خیر و سعادت و خیر عمومی

همان‌طور که از نظر مسکویه خیر دارای اقسام مختلف است. یکی از این اقسام تقسیم خیر به غایت و غیرغایت است. مسکویه در گام نخست خیر را به دو قسم خیر غایت و غیرغایت تقسیم کرده و نیز خیر غایت را به دو قسم تام و غیرتام و خیر غایت تام را خیری معرفی می‌کند که انسان بعد از به دست آوردن آن، به افزودن چیز دیگری نیاز ندارد و سعادت را به عنوان مصداق اتم و اکمل خیر غایت تام معرفی می‌کند (۱۶، ص ۸۴). علاوه بر این سعادت نوعی از خیر و تمام خیرات و غایات آنها است و تمام آن چیزی است که انسان بعد از دستیابی به آن و با وجود وصول بدان هرگز به چیز دیگر احساس نیاز نمی‌کند و به این جهت است که گفته می‌شود سعادت فاضل‌ترین و متعالی‌ترین خیرات است. موهبت خدا برای انسان سعادت است، زیرا سعادت عطیه و موهبتی از سوی خدا برای انسان است که از شریف‌ترین منازل خیرات و در برترین مراتب خیرات قرار دارد و آن خاص انسان تام است. بنابراین نصیب افرادی مانند کودکان یا مشابه کودکان که به مرحله اتمام و اکمال دست نیافته‌اند، نمی‌شود. بر اساس این تعریف، سعادت خیر است و سعادت هر موجودی غیر از سعادت موجود دیگر است.

شاخص‌ها، معیارها و سطوح

هر نظریه و مفهومی علاوه بر تلاقی با سایر نظریه‌ها و مفاهیم نیاز به مرزبندی و تفکیک مقولات و شاخص‌ها و معیارهای دور و نزدیک خود با دیگر علوم و مفاهیم مرتبط دارد. در اینجا به‌طور مختصر به شاخص‌ها، معیارها و سطوح مختلف خیر عمومی اشاره می‌شود که بر مبنای آن می‌توان چشم‌اندازی از این نظریه مطرح و حدود آن را ترسیم کرد.

الف) شاخص‌ها و معیارهای خیر عمومی

- کنشگری
- عمومیت
- جمعی بودن
- تداوم و همیشگی
- مثبت بودن
- کلی و جامع بودن
- تصادفی و اجباری نبودن
- مادی و غیرمادی بودن
- اثرات خارجی
- قابلیت اشتراک
- مطلوبیت
- تقاضامحوری و خواستنی بودن
- ذاتی بودن

ب) سطوح مختلف خیر عمومی

- فردی
- گروهی
- اجتماعی یا جامعه‌ای

از لحاظ نگرشی و کنشی که در شاخص‌ها به آن اشاره شد، افراد باید نگرش و کنش خیرخواهانه داشته باشند. همان‌طور که بخشی از توسعه به نگرش‌ها و کنش‌های افراد بستگی دارد، در بحث خیر عمومی نیز در شرایطی می‌توان خیر عمومی را گسترش داد که ارتباط بین کنش‌های خیرخواهانه و تعاملات و روابط خیرخواهانه در بین تک‌تک افراد وجود داشته باشد. همچنین باید بستری برای حکمروایی مطلوب و توسعه همه‌جانبه فراهم کرد که نیاز به کنش‌های خیرخواهانه در آن درک شود. کنش خیرخواهانه نیز امری فردی است؛ بنابراین در این راستا باید به رویکردهای خیر عمومی پرداخت.

رویکردهای خیر عمومی

در مطالعات اخیر کاملاً می‌توان به این موضوع پی برد که خیر عمومی در تمام رویکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه‌ای جایگاه ویژه‌ای دارد. لذا این قابلیت را دارد که بتوان در این خصوص کنکاش و تعریف

صحیحی داشته و در سیر اندیشه سیاسی به رویکردهای مختلف مرتبط با این مسئله اشاره کنیم. از این نظر اهم این رویکردها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- رویکردهای دینی
- رویکرد الهیات سیاسی و معجزه بازار
- رویکردهای علوم اجتماعی، حقوق و اقتصاد
- رویکرد تکثرگرایی، لیبرالی و رویکردهای کمونیستی

رویکرد دینی مسیحی: اندیشه متکلمان مسیحی که غالباً با استفاده از سنت یونانی و رومی بنا شده‌اند، در مورد خیر مشترک (دست‌کم از زمان آگوستین) نیز کاوش کرده‌اند. در کتاب شهر خدا^۱ آگوستین^۱ تعریف سیسرو را از جمهوری به عنوان مردمی که در پی دستیابی به منافع مشترک بودند، در نظر می‌گیرد.

محتوای این کتاب، خوبی و خیر را از دیدگاه مسیحیان مشخص می‌کند: خیر کسی نیست جز خدا و دنبال کردن منافع مشترک این است که به خدا عشق و عبادت را که به خاطر اوست، داشته باشیم. توماس آکویناس^۲ تصور کلامی مشابهی را درباره خیر مشترک حفظ می‌کند: «نیکی خدا ... خیر کل جهان است». فرمول مسیحی در مورد منافع مشترک نیز در تصدیق تنش موجود بین خیر شخصی و عمومی با پیشینیان یونانی تفاوت دارد. آکویناس (۱۹۷۲: ۱۰۷) نوشت که دولت واجد شرایط استبداد است، زیرا «این امر به نفع منافع عمومی نیست، بلکه به نفع افراد خاصی است». علاوه بر این، منافع شخصی غالباً با خودخواهی و گناه، پادزهر عمل صالح انجام شده در خدمت خدا و منافع عمومی همراه است. مسیحیان مدرن بدون آنکه از این برداشت‌های اولیه خودداری کنند، زبان حقوق فردی را در تعریف خود از منافع عمومی گنجانیده‌اند. شورای دوم واتیکان (واتیکان n.d.) کالای مشترک را به عنوان «جمع شرایط اجتماعی که به مردم، چه به عنوان گروه و چه به عنوان افراد امکان می‌دهد، به آسانی و راحت‌تر به تحقق خود می‌رسند» تعریف کرد.

خیر عمومی، الهیات سیاسی و معجزه بازار: این رویکرد دیدگاه مسیحی صرف را با تحولات اقتصادی زمانه خود گره زده است. خیر عمومی و منافع مشترک، از آنچه تاکنون مورد تحلیل قرار گرفته از یک نظر با منافع فردی به گونه‌ای که کالاها و املاک، اشیاء و منابع فردی را در بر گرفته باشد در ارتباط است که همه این‌ها در جایی بنام بازار خلاصه می‌شود. از آنجاکه اختلاف نظر بین نظریه‌پردازان بازار وجود دارد، گرایش غالب بر آن است که بازار جادویی است که عیار هر چیزی را مشخص می‌کند و اگر منافع تک‌تک افراد در این مکان تأمین گردد، به‌طور کلی درنهایت منافع عمومی نیز به واسطه منافع فردی تأمین می‌شود (سیم کادری، ۲۰۱۱: ۱۱).

نظریه معجزات مطرح شده توسط روزنزویگ^۳ به قدرت حاکمیت ناگهانی تکیه ندارد. برای او، معجزات «استثنایی» نیستند، بنابراین بیشتر با توضیحات ما در مورد چگونگی عملکرد به عنوان اصلی برای ایجاد

1. Augustine
2. Thomas Aquinas
3. Rosenzweig

تغییرات در اصول تولید مطابقت دارند. روزنزیویگ معجزات را به عنوان تحقق یک پیش‌بینی بیان نموده و از امکانات در یک مبنای ناقص و نامشخص استفاده می‌کند.

مسیر معجزات از دوره طبیعت (بازار) از پیش تعیین شده توسط قوانین فرق نمی‌کنند. آنها معجزه‌آسا خود را از این واقعیت که وقوعشان پیش‌بینی شده است، مشتق می‌شوند. معجزات حوادثی هستند که طبق پیش‌بینی‌ها اتفاق می‌افتند، بنابراین به عنوان یک نشانه و دعوت غیر قابل انکار برای جستجوی فراتر از توضیحات پیرامون عمل می‌کنند. او در مقایسه با اسمیت، همان‌گونه که اریک سانتنر^۱ می‌گوید: «ساختاری معجزه‌آسا از معجزات را ترسیم می‌کند که خیر عمومی را در نهایت به دنبال خواهد داشت».

رویکردهای علوم اجتماعی، حقوق و اقتصاد: جای بحث خیر مشترک در اقتصاد مدرن (نئوکلاسیک) و منشأ نوین آن در مفهوم روشنگری از این نظر که جامعه به عنوان یک موجود است نهفته است، لذا به منظور دستیابی به اهداف افراد، نه سؤال می‌کنند که اهداف افراد از کجا آمده و نه سؤال از فرایندهایی است که افراد به واسطه آن در جامعه شکل می‌گیرند (یونگرت، ۲۰۰۹: ۵). در اقتصاد نئوکلاسیک، منافع مشترک یک هدف عینی نیست که مورد تشخیص و تعقیب قرار گیرد، بلکه تجمیع کالاهای منفرد است. این ایده نخستین بار توسط آدام اسمیت (۲۰۰۱: ۲۸۸) بیان شد که نقش افراد را در پیگیری منافع شخصی خود مطرح کرد، ناخواسته «اثر جامعه را مؤثرتر از وقتی که واقعاً قصد دارد آن را بیان کند.» به اصطلاح «دست نامرئی» بازار منافع خودخواهانه را برای حداکثر رساندن منافع مشترک هدایت می‌کند که به عنوان ایجادکننده کارآمد و حداکثر ثروت تعریف می‌شود. خیر عمومی در اینجا با رفاه فرد در هم تنیده است. با توجه به شرایط مناسب (به عنوان مثال، اقتصاد بازار آزاد) افراد ترجیحات شخصی خود را در بازار آشکار می‌کنند که در آن نقطه، قیمت و تقاضا را به هم می‌رسانند، به گونه‌ای که این اهداف خصوصی به طور مؤثر برآورده می‌شوند؛ یعنی منافع مشترک جمع کلیه کالاهای خصوصی به طور طبیعی از بازار ناشی می‌شود و هیچ تلاشی از سوی دولت صورت نمی‌گیرد. تکثرگرایی و مفهوم خیر عمومی: شک و تردید نسبت به سازگاری رویکرد مشترک نسبت به داشتن زندگی خوب با احترام به آزادی در آگاهی‌های مردم امروزی در غرب، به‌ویژه در ایالات متحده رواج دارد. امروزه مردم عمیقاً می‌دانند که آنها همسایگان مختلف، چه در مجاورت و چه در دورتر دارند و این همسایگان ایده‌های زیادی در مورد زندگی خوب دارند. واقعیت کثرت‌گرایی روزانه به مردم تحمیل می‌شود، زیرا هر روز در محل کار خود با کسانی که عقاید مذهبی و سنت‌های فرهنگی مختلفی دارند شانه به شانه هستند و نژاد یا قومیت آنها متفاوت از خودشان است. آنها هنگام کار رفت و آمد و انجام خرید، زبان‌هایی غیر از انگلیسی می‌شنوند. البته این تفاوت‌ها را می‌توان منبع تنوعی دانست که زندگی انسان را هم برای افراد و هم در جامعه غنی

1. Eric Santner

می‌کند؛ اما تجربه تنوع با گزارش‌های منظم در رسانه‌ها، با درگیری قومی و مذهبی نیز همراه است (سولومون و همکاران، ۲۰۱۴).

تلویزیون همچنین تصاویری از درگیری باندهای شهری، تیراندازی رانندگان و مافیای مواد مخدر را به خانه‌های طبقه متوسط نشان می‌دهد. تحت تأثیر چنین گزارش‌ها و تصاویری، تنوع می‌تواند تهدیدآمیزتر از غنی‌سازی به نظر برسد. اگر افرادی که با هم متفاوت هستند حداقل از نظر بالقوه خطرناک به نظر می‌رسند، دیدن آنها به عنوان همسایه دشوارتر می‌شود. این تصور سخت است که زندگی که از جهات قابل توجهی با آنها به اشتراک گذاشته می‌شود، لذا می‌تواند زندگی خوبی باشد (هولنباخ، ۲۰۰۴: ۱۷).

این یک وضعیت نسبتاً جدید برای غرب به طور کلی و به‌ویژه برای ایالات متحده است. البته پلورالیسم و ارتباط گروهی به معنای آنچه گفته شد، مدت‌هاست که به وجود آمده است. امروزه مسئله جدید این است که آگاهی از تکثرگرایی روال عادی شده است. اختلافات فرهنگی و مذهبی به عنوان بخشی از شیوه‌های موجود شده و در آینده باقی می‌ماند. در اروپا پس از اصلاحات، آگاهی از اختلافات مذهبی بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها واقعی بود، اما این اختلافات به عنوان ساده ماندن در این شکل پذیرفته نمی‌شد. مؤمنان کاتولیک امیدوار بودند که در یک تاریخ نامشخص، (آینده) پیروزی بر دشمنان مذهبی خود را رقم بزنند. به طور مشابه، در روزهای جنگ سرد قبل از وقایع پرخاشگرانه سال ۱۹۸۹، غربی‌ها می‌توانستند کره زمین را به جهان آزاد، جهان کمونیست و آن مناطقی که بین دو بلوک برای جلوگیری از نفوذ متقابل در نظر گرفته شوند از هم متمایز کنند؛ و این به معنای گسترش ارزش‌های غربی در سراسر جهان تلقی می‌شد. چنین دیدگاه مشترکی از جامعه خوب در آینده از این اصل ناشی می‌شود که آزادی بهتر از استبداد است. از طرف دیگر، مارکسیست‌ها در بلوک شرق می‌توانستند خیر عمومی را به عنوان پیروزی بین‌المللی سوسیالیسم پیش‌بینی کنند. پایان جنگ سرد این ساده‌سازی‌ها را از بین برد و تصورات آتی را بسیار پیچیده‌تر کرد (هانوهان، ۲۰۰۲).

طبق تعریف، پلورالیسم به معنای عدم توافق در مورد آنچه در نهایت صحیح و خوب است. جامعه کثرت‌گرایانه جامعه‌ای است که در آن مردم از درک کامل و عمق یک زندگی خوب نظر مشترک ندارند؛ بنابراین، تقریباً با این تعریف به نظر می‌رسد کثرت‌گرایی تصور یک خیر عمومی را کاری غیرممکن می‌کند. به یقین، این امر نشان می‌دهد که ما باید از تلاش‌ها برای ترغیب مردم به داشتن زندگی به روشی که تحقق چشم‌انداز مشترک را دارد، صرف نظر کنیم. چراکه مبدا این تلاش‌ها باعث بی‌عدالتی‌های گذشته، تعمیق درگیری‌ها یا حتی جنگ شود. در جایی که هیچ دید مشترکی از زندگی خوب وجود ندارد، آیا صحبت از یک جامعه اصلاً منطقی است؟ هنگامی که افرادی که درک متفاوتی از آنچه موجب زندگی خوب می‌شود دارند و یکدیگر را با خشونت و بدگمانی می‌شناسند، بهتر است از یک اجتماع متشنج سخن بگویند تا یک جامعه. شاید این بهترین چیزی باشد که می‌توانیم به آن امیدوار باشیم. شاید دستیابی به یک چشم‌انداز از زندگی خوب برای زندگی مشترک

همه مقدمه‌ای خطرناک برای ظلم و ستم و حتی استبداد باشد. لذا چشم‌انداز کثرت‌گرایی و جامعه خوب و نهایتاً زندگی خوب و خیر عمومی منتج از آن چندان روشن نیست (بریج، ۲۰۱۳: ۱۴).

رویکردهای خیر عمومی کمونیستی در مقابل مفهوم لیبرال: در جوامع کمتر فردگرا که بسیاری از آنها غیرغربی هستند ارزش کالای مشترک به ندرت زیر سؤال می‌رود. با این حال، وضعیت هنجاری منافع مشترک برخلاف حقوق مترتب بر آن برای بسیاری از مردم در غرب کاملاً مشهود است. استفاده از اصطلاح «منافع مشترک» در بسیاری از موارد محل بحث قرار می‌گیرد. اول، کسانی هستند که استدلال می‌کنند که اصلاً چنین چیزی وجود ندارد. آین راند فیلسوف (براندن و راند، ۱۹۸۶: ۲۰) در کتاب سرمایه‌داری: ایده ناشناخته؛ نوشت که: هیچ موجودیتی مانند «قبیله» یا «عموم» وجود ندارد. قبیله (مردم یا جامعه) فقط تعدادی از افراد جداگانه هستند. هیچ چیز نمی‌تواند برای قبیله خوب باشد؛ «خوب» و «ارزش» فقط به یک ارگانیزم زنده به یک موجود زنده مرتبط است نه به یک مجموعه جدا شده از روابط.

کمونیست‌ها بر این باورند که منافع مشترک صرفاً به معنای جمع کلیه کالاهای شخصی یا شخصی یک جامعه نیست. مشارکت در مورد خیر عمومی و منافع مشترک معمولاً هیچ فایده‌ای ندارد. پیش‌بینی اینکه افراد ذینفع در درازمدت چه کسانی باشند، غالباً غیرممکن است. هنوز اعضای جوامعی که از سرمایه‌گذاری منافع مشترک در آن حمایت می‌کنند، نه به این دلیل که لزوماً یا حتی محتمل باشد وجود دارد. آنها شخصاً یا حتی به فرزندانشان سود می‌رسانند، اما به دلیل این که آنها این را خوب می‌دانند که باید پرورش یابند و رشد کنند. آنها این کار را برای انجام دادن، به خودی خود درست می‌دانند. این توضیحات فقط کسانی را که ادعای چنین مواردی را دارند، غافلگیر می‌کند، حتی وقتی ما به روش‌های کاملاً نوع‌دوستانه عمل می‌کنیم، همیشه انگیزه‌ای از خود و خدمت به خود داریم. برای همه افراد دیگر، نمونه‌هایی از چنین کالاهای معمولی کاملاً آشکار است: علاوه بر موارد مرتبط با دفاع ملی و تحقیقات بنیادی که در بالا مورد بحث قرار گرفت، بهداشت عمومی و حفظ محیط‌زیست نمونه‌هایی از کالاهای معمولی است که به طور گسترده پذیرفته شده است. ماهیت مورد علاقه این اقدامات به‌ویژه هنگامی که تحقق منافع عمومی مستلزم صرفاً هزینه‌هایی برای فرد نیست (به عنوان مثال مالیات) بلکه به عنوان خطرات وجودی برخی از انواع خدمات مانند جنگیدن برای کشور است.

محافظت از محیط‌زیست، جلوگیری از تغییر اوضاع اقلیمی و توسعه منابع انرژی پایدار همه پروژه‌هایی پرهزینه است که فقط در درازمدت نتیجه‌بخش و سودآور می‌شود و پس از آن نیز فقط به افراد نامعلوم و نسل‌های بعدی رسیده و برای آنان بهره‌ور است. میلیون‌ها نفری که امروز در جهت رسیدن به این اهداف تلاش می‌کنند، نمی‌توانند مطمئن باشند که برای دیدن تأثیر کامل کارشان زنده خواهند بود. در صورت سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالی که به راحتی در دسترس هستند از جمله سهام و اوراق قرضه، سرمایه‌گذاری می‌کنند، افراد با بهره حداکثری می‌توانند نرخ بازده بسیار بهتری را به دست آورند و سپس از سود سهام برای خرید دستگاه‌های تهویه مطبوع و ضدآفتاب استفاده کنند. در پاسخ به این حساب از منافع مشترک، لیبرال‌ها استدلال‌های مفصلی

را ارائه داده‌اند و توضیح می‌دهند چرا مردم در این کالاهای عمومی سرمایه‌گذاری می‌کنند که لزوماً به آنها سود نمی‌رساند، بدون فرض خود مبنی بر اینکه افراد تسلیم حداکثر ابزارهای منطقی می‌شوند. به عنوان مثال، آنتونی داونز، گوردون تولوک و ویلیام رایگر همه تعجب کرده‌اند که چرا یک بازیگر (کنشگر) منطقی زحمت رأی دادن را تقبل می‌کند. این دانشمندان علوم اجتماعی فرض می‌کنند که «رأی‌دهنده ابزار مورد انتظار را از پیروزی هر کاندیدا محاسبه می‌کند و طبعاً به کاندیدایی که سیاست‌های آن نویددهنده بالاترین بهره است، رأی می‌دهد» (مولر، ۲۰۰۳: ۳۰۴). با وجود این احتمال اینکه رأی هر یک از رأی‌دهندگان بر نتیجه همه تأثیر بگذارد، در نزدیک‌ترین انتخابات تقریباً صفر نیست. از آنجاکه رأی‌گیری همیشه حداقل برخی از هزینه‌ها را تحمیل می‌کند (مانند زمان از دست رفته در انتظار رأی دادن، هزینه بنزین مورد نیاز برای رانندگی به محل رأی‌گیری و غیره)، این هزینه‌ها تقریباً همیشه از سود مورد انتظار بالاتر است. داونز و دیگران سعی کردند استدلال کنند که مردم در حقیقت رأی می‌دهند، زیرا آنها معتقدند که نتایج به دست آمده یا همان منفعت شخصی هزینه رفتن به انتخابات را جبران کرده و یک رأی آنها می‌تواند در سرنوشت انتخابات تعیین‌کننده باشد. با این حال، معلوم می‌شود که بسیاری از میلیون‌ها رأی‌دهنده در زمان انتخابات با این استدلال در رأی‌گیری حاضر می‌شوند.

درواقع، شواهد نشان می‌دهد مهم‌ترین عاملی که توضیح می‌دهد که آیا یک شخص رأی خواهد داد، میزان رأی دادن به «وظیفه شهروندی» خود او است. آندره بلیز (۲۰۰۰: ۱۳۷)، استاد علوم سیاسی نشان داده که «حدود نیمی از رأی‌دهندگان... از روی حس قوی تعهد اخلاقی رأی می‌دهند، زیرا آنها معتقدند رأی دادن اشتباه نیست. آنها مزایا و هزینه‌ها را محاسبه می‌کنند».

دومین انتقادی که معمولاً از طرف حامیان رویکرد منافع عمومی ابراز می‌شود از طرف چپ‌ها که معتقدند این مفهوم همان‌گونه که آشکار است در فراخوان خدمت به «سرزمین پدری» یا «کلیسای مادری» برای پنهان کردن اختلافات طبقاتی در منافع اقتصادی و قدرت سیاسی به منظور حفظ کسانی که از انجام مطالبات جامعه محروم هستند، استفاده می‌شود. درواقع، این منتقدان در حد ادعا می‌توانند از این مفهوم سوءاستفاده کنند، درست مانند اینکه وقتی ترس از تروریسم برای توجیه محدود کردن آزادی فردی به هم می‌خورد، صحیح است. با این حال، این واقعیت که از یک مفهوم سوءاستفاده می‌شود یک سرنوشت مشترک برای هر مفهوم قانع‌کننده است، به این معنی نیست که لزوماً درخور تأمل نباشد. در غیر این صورت باید با مفاهیمی چون علم، عقلانیت و اجتماع نیز چنین فرض کنیم که همه این‌ها قابل سوءاستفاده است. در این صورت، با توجه به اینکه آیا این اصطلاحات در اصل تعریف شده یا تحریف شده و برای اهداف ایدئولوژیک مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌توان آنها را نادیده گرفت. سرانجام، کسانی وجود دارند که ذاتاً به خاطر اینکه حقوق فردی و اقلیت تهدید می‌شود، لذا مخالف دستیابی به منافع عمومی نیستند. لیبرال‌ها و آزادیخواهان تمایل دارند که تعاریف سفت و سخت از کالاها را محکوم کنند، زیرا می‌ترسند در صورت پذیرش چنین فرمول‌هایی، حتی اگر

در ابتدا فقط به دلایل هنجاری باشد، دولت وسوسه شود و نظامات سختی را در پیش گیرد که آزادی‌های فردی را محدود نماید. در واقع وادار کردن افراد به خدمات غیرارادی که این به نوبه خود باعث کاهش آزادی فردی خواهد شد خیری که برای آزادی‌خواهان و بسیاری از لیبرال‌ها، چنین است که در نهایت خیر عمومی همگان را نیز بر باد می‌دهد. برای افرادی که دارای چنین رویکرد سیاسی هستند، تقاضا برای خدمت به منافع عمومی به معنای تأیید و انطباق اجباری رژیم‌های استبدادی، کلیساهای پرتحرک و اجتماعات سرکوبگر و نظام‌های سلطانی است (گوتمان، ۱۹۸۵: ۳۱۹). در عوض، بسیاری از آزادیخواهان تصور می‌کنند که هر شخص باید تصمیم بگیرد که چه چیزی این امر را خلق می‌کند و جامعه باید پس از آن سیاست‌های عمومی خود را بر تجمیع این گزینه‌های فردی بنا کند.

مایکل جی. ساندل و چارلز تیلور در میان دیگر کمونیست‌های دانشگاهی، از زیربناهای فلسفی این مکتب فکری لیبرال و آزادیخواه انتقاد کرده‌اند. آنها استدلال می‌کنند در لیبرالیسم و آزادیخواهی معاصر فرض بر این است که مفهوم ناسازگار از فرد به عنوان موجودی خارجی و جدا از جامعه وجود دارد نه اینکه در درون آن تعبیه شده باشد. از آنجاکه هویت فردی تا حدودی توسط فرهنگ و روابط اجتماعی شکل یافته است («ساخته شده» است)، هیچ روش منسجمی برای تدوین حقوق یا منافع فردی برگرفته از متن اجتماعی آنها وجود ندارد. به‌ویژه اینکه کمونیست‌ها استدلال می‌کنند که هیچ نکته‌ای در تلاش برای به دست آوردن نظریه عدالت از اصولی که افراد در آن انتخاب می‌کنند وجود ندارد. یک وضعیت فرضی ناشی از عدم آگاهی از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و تاریخی آنها (به عنوان مثال، از پشت «حجاب جهل» راولزی)، زیرا چنین افرادی و تک‌تک انتخاب‌های آنها نمی‌توانند موجد شناخت باشند.

کمونیست‌های دانشگاهی با تأکید بر رویکرد ارسطو و فیلسوف ایدئالیست آلمانی جورج فریدریش ویلهلم هگل استدلال می‌کنند که هرگونه تصور از خیر باید در سطح اجتماعی صورت گیرد و جامعه نمی‌تواند یک قلمرو هنجاری بی‌طرف باشد. مگر در صورت وجود یک فرمول اجتماعی از خیر، نمی‌توان پایه و اساس هنجاری برای حل تعارضات ارزشی بین افراد و گروه‌های مختلف ایجاد کرد. چنین کالای برجسته (به عنوان مثال، بهزیستی ملی) افراد با دیدگاه‌های اخلاقی مختلف یا سوابق عقیدتی را قادر می‌سازد تا مبنای مشترک اصولی (و نه صرفاً محتاطانه) پیدا کنند و به وفاق لازم برسند.

جوامع محتمل‌ترین منبع لازم را برای اعضای خود از جهتی که مفید باشد فراهم می‌کنند. برخی معتقدند که اصطلاح «جامعه» چنان مبهم است که حتی نمی‌توان تعریف کرد. در مقابل، کمونیست‌ها معتقدند که جامعه می‌تواند به وضوح به عنوان گروهی از افراد تعریف شود که دارای دو ویژگی هستند. ویژگی اول، شبکه‌ای از روابط تحت تأثیر قرار گرفته است که غالباً روابط متقابل را تقویت می‌کند (و نه صرفاً روابط فردی و یا زنجیره‌ای)؛ دومین ویژگی که در همه افراد یک جامعه مشترک است، تعهد به هسته اصلی ارزش‌های مشترک، هنجارها و معانی و همچنین تاریخ و هویت جمعی به طور خلاصه، یک فرهنگ اخلاقی خاص است.

کمونیست‌های پاسخگو، معتقدند که جامعه اساساً یک کالای عمده مشترک به خودی خود و همچنین منبع اصلی کالاهای مشترک دیگر است. «اساساً» مانند همه کالاها، جامعه می‌تواند اشکال ناکارآمدی به خود بگیرد، به‌ویژه هنگامی که پیوندهای اجتماعی، فرهنگ یا ساختار سیاسی آن سرکوبگر باشد. جنبه مهم اجتماعات توانایی آنها در ارائه کنترل‌های اجتماعی غیررسمی است که تعهدات اخلاقی اعضای خود را تقویت می‌کند، یعنی آنها منافع عمومی را ارتقا می‌بخشند. این امر به ایجاد نظم اجتماعی عمدتاً داوطلبانه کمک می‌کند. مؤثرترین راه تقویت هنجارهای رفتاری بر این اساس استوار است که افراد نیاز به تأیید مستمر از طرف دیگران دارند، به‌ویژه از طرف کسانی که با آنها پیوندهای عاطفی و دل‌بستگی دارند مانند اعضای جامعه خود که با آنها چنین هستند (بالایس، ۲۰۰۰: ۵).

تعریف حکمروایی و ارتباط آن با نظریه خیر عمومی و توسعه

- حکمروایی فرایند تصمیم‌گیری برای جوامع در سطوح مختلف (ملی، منطقه‌ای و محلی) است، روشی که تصمیمات از طریق آن ساخته، گرفته و اجرا می‌شوند.
- رویکرد حکمروایی، می‌تواند کیفیت دولت را از طریق شفافیت، پاسخگویی، مبارزه با فساد و قانون‌مداری بهبود بخشد؛ که این موارد از طریق برنامه‌هایی شامل قوانین، فرایندها و رفتارهایی است که به موجب آن منافع عموم تأمین می‌شوند، منابع مدیریت شده و قدرت در جامعه به‌طور مشروع اعمال می‌گردد.
- مناسبات دولت و شهروندان با هدف چیزی شکل می‌گیرد که می‌توان از آن به‌عنوان خیر عمومی و منافع عمومی نیز یاد کرد.
- اساساً حکمروایی به دنبال تأمین منافع در حد مطلوب و بهینه آن است، نه برای یک بخش بلکه بخش عمومی، بخش خصوصی و جامعه مدنی، همچنان که هر بخش بازیگران خاص خود را دارند.
- شایسته چنین حکمروایی، یک برنامه‌ریزی تعاملی و توسعه پایدار یکپارچه است.

کلیدواژه‌ها و مفاهیم حکمروایی

- شفافیت (Transparency): شفافیت یعنی این که تصمیمات و اجرای آنها در مسیر پیروی از قوانین و مقررات صورت بگیرد. همچنین اطلاعات برای کسانی که از تصمیمات و اجرای آنها تأثیر می‌پذیرند آزادانه و به‌طور مستقیم قابل دسترس باشد و نیز اطلاعات کافی در رسانه‌ها و به شکل‌های قابل فهم، مهیا باشد.
- مسئولیت (Responsibility): مسئولیت یکی از ملزومات اصلی حکمرانی است. نه تنها نهادهای حکومتی بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی نیز باید نسبت به عموم مردم و نسبت به ذی‌نفعان بنیادی‌شان مسئول باشند.

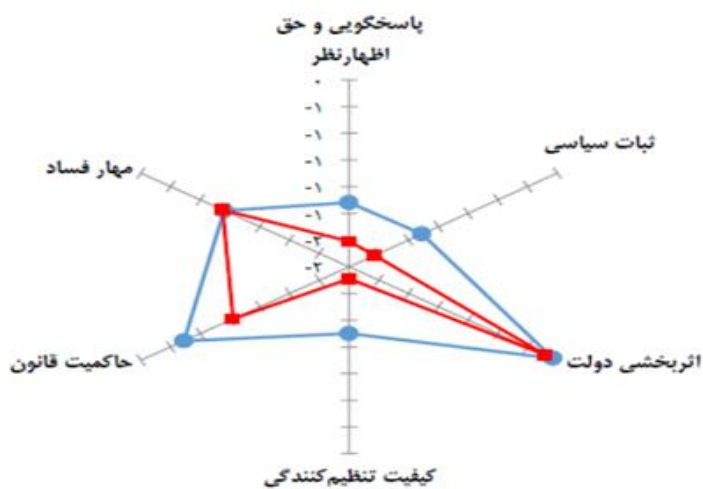
- پاسخگویی (Accountability): حکمرانی خوب مستلزم این است که نهادها و فرایندها، برای خدمت به همه ذی‌نفعان در یک چارچوب زمانی معقول تلاش کنند. گرایش به اجماع بازیگران متعددی با دیدگاه‌های مختلف در یک جامعه وجود دارند. حکمرانی خوب باید بین منافع مختلف موجود در جامعه برای رسیدن به یک اجماع گسترده بر روی اینکه چه چیز بهترین منفعت را برای کل جامعه دربردارد، میانجی‌گری کند.
- مشارکت (Participation): مشارکت هر دو گروه مردان و زنان سنگ بنای حکمرانی خوب است. مشارکت می‌تواند به شکل مستقیم یا از راه نهادهای میانجی قانونی یا نمایندگان باشد.
- حاکمیت قانون (The Rule of Law): حکمرانی مستلزم چارچوب‌های قانونی عادلانه است که به صورت بی‌طرفانه به اجرا گذاشته شوند.

شاخص‌های حکمروایی بر اساس تعریف بانک جهانی





نمودار مقایسه نمره ایران در شاخص‌های حکمرانی جهانی



در این نمودار خطوط آبی شاخص‌های جهانی و خطوط قرمز شاخص‌های ایران است که بانک جهانی با توجه به معیارها و شرایط ایران ترسیم کرده است. تا زمانی که جامعه و مجموعه افرادی که فعالیت در مباحث توسعه و حکمرانی دارند، دست به خودجراحی نزنند، طبیعی است دیگر جراحی معنا نخواهد داشت. تا زمانی که نپذیریم لازمه درک اشکالات و ایرادات جامعه، جراحی و درک و فهم مشترک است، قطعاً نمی‌توان توسعه معنادار و موتور محرک در سطح توسعه ایجاد کرد.

مفهوم توسعه

معنای لغوی: واژه توسعه، معادل لفظ انگلیسی (Development) است که مشتق از واژه (Develope) به معنای رشد و گسترش تدریجی و نمود و تطور یافتن، آشکار شدن و از پوسته و غلاف درآمدن است. این پوسته و غلاف هم در زبان انگلیسی (Envelope) است. بنابراین، خروج تدریجی از لفاف، معنای دقیق واژه توسعه است. مایکل تودارو معتقد است که توسعه را باید «جریانی چندبعدی و چندانضباطی» دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده است و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، رشد کند. توسعه اقتصادی فرایندی است که در طی آن، شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود. کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولید، توزیع و الگوهای مصرف جامعه. امروزه به گفته «میردال»، رشد و توسعه اقتصادی یک مسئله اجتماعی-سیاسی و فرهنگی است.

ابعاد و سطوح توسعه

- توسعه اقتصادی
- توسعه اجتماعی- فرهنگی
- توسعه انسانی
- توسعه سیاسی
- توسعه زیست‌محیطی و پایدار
- توسعه محلی منطقه‌ای و ملی
- توسعه پایدار
- توسعه برون‌زا و درون‌زا

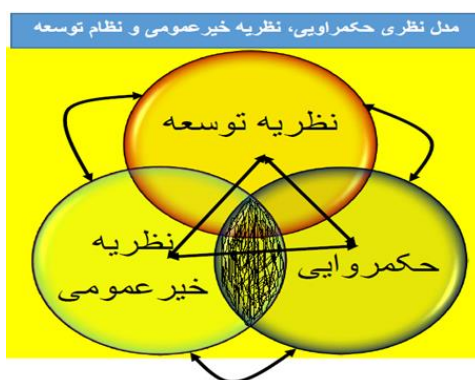
چالش‌های توسعه و توسعه‌نیافتگی

چالش‌های توسعه در ۵ سطح مورد توجه قرار گرفته است:

- ۱- نظام حکمرانی معلول؛ ظرفیت پایین حکمرانی و حل مسائل ملی
- ۲- مناسبات اقتصادی معیوب؛ نهاد اقتصادی غیرفراگیر بهره‌کش
- ۳- ترتیبات سیاسی محدود؛ نهاد سیاست با دسترسی بسته
- ۴- وضعیت تاریخ

۵- وضعیت جغرافیا

از دل این چالش‌ها می‌توان یک الگوی تلفیقی توسعه، حکمروایی و خیر عمومی ارائه داد. در این راستا به این نکته خواهیم رسید که اگر پاشنه آشیل بحث ما خیر عمومی باشد، باید ببینیم که توسعه چه میزان در ذیل خیر عمومی است و چه میزان در خیر عمومی مداخله دارد. در حقیقت سهم این سه موضوع در مباحث مرتبط با هم چگونه است؟



جمع‌بندی

در جدول زیر دیدگاه‌های متفکران غربی و دیدگاه‌های متفکران مسلمان ذکر شده است. الگوی حکمروایی توسعه در دو سطح کلی ساختاری و کنشی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است که به اختصار به آنها اشاره خواهیم کرد:

دیدگاه‌های متفکران مسلمان		دیدگاه‌های متفکران غربی	
ابزارها، عوامل و شرایط تحقق خیر عمومی	ماهیت شکل‌گیری خیر عمومی	ابزارها، عوامل و شرایط تحقق خیر عمومی	ماهیت شکل‌گیری خیر عمومی
تعادل همه‌جانبه	چندگانگی عقل و نفس و جسم	دموکراسی رایزنانه	نظام مبتنی بر خیر عمومی
ذاتاً مدنی	مدنی بالطبع	عقلانیت مباحثه‌ای و مباحثه آزاد	نظام اقتصادی مبتنی بر خیر عمومی
نظام‌های مطلوب و فاسد	تقسیم نظام‌های سیاسی	مفاهمه و تفاهم و تعامل	نحوه رسیده به خیر عمومی
نزدیکی نظام سیاسی و اجتماع مردمی	تناسب نظام سیاسی و اجتماع مردمی	برابری در گفتار و تعامل فزاینده	برابری و مشارکت
نقطه پایه و اولیه تلاش برای خیریت	برآوردن نیازها در اجتماع	توانمندی ارتباطی	سلامت و سعادت جامعه خیرخواه
راهی به سوی سعادت	غایت حکومت	کنش آزاد و رهایی‌بخش	حوزه عمومی
تعادل کنش فردی و جمعی	کنش‌های خیر فردی و کنش‌های خیر جمعی	ارتباط آزاد و رهایی‌بخش	چیستی و تعریف خیر عمومی
موجودی مختار و آزاد	اختیار انسان در ارتباط	عقلانیت ارتباطی و مفاهمه‌ای	شرایط وضعیت آرمانی و خیرطلب

حقیقت جسم و عقل و نفس	واقع‌گرایی فلسفی	اجماع در استدلال بهتر فارغ از زور و سلطه	گفتار خیرخواهانه وضعیت آرمانی گفتار
امری متعالی و مهم	فردیت و تفرد ذاتاً معنی ندارد	کنش مفاهمه‌ای	سراغاز حرکت به سمت خیر عمومی
نقش اساسی در خیرخواهی و خیر عمومی	ویژگی‌ها و شرایط رهبری	استدلال مفاهمه‌ای و بسط مسئولیت	علاقه شناختی و دانشی مبتنی بر خیر
دانش‌شناختی	اجتماع و مُدُن	کنش مفاهمه‌ای و ابزاری	انواع کنش‌های خیرخواهانه و غیر خیرخواهانه

یافته‌ها

- اشتراک مفاهیم و اجماع‌سازی راجع به مسائل و چالش‌های توسعه
- توجه به چندوجهی بودن موضوع توسعه
- بومی‌سازی توسعه برای مختصات ایرانی اسلامی
- فراهم کردن زیرساخت‌های استقرار نظام حکمرانی مبتنی بر خیر عمومی
- تهیه و تدوین ماتریس شاخص‌های سه‌گانه خیر عمومی، حکمروایی و توسعه

توصیه‌ها و راهکارها

- رصد و پایش شاخص‌های سه‌گانه خیر عمومی، حکمروایی و توسعه
- تأکید بر سرمایه اجتماعی به‌عنوان سیمان این اشتراکات
- آسیب‌شناسی موانع تحقق خیر عمومی، حکمروایی و توسعه
- ترسیم وضع موجود کشور از نظر سه‌گانه خیر عمومی، حکمروایی و توسعه
- طراحی وضع مطلوب و سناریوهای مرتبط با هر یک
- تهیه نقشه راه رسیدن به وضع مطلوب توسعه از نظر خیر عمومی به وسیله استقرار نظام حکمروایی

دولت / تمدن، حکمروایی و خیر عمومی

دکتر جمشیدی‌ها، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



بنده قصد دارم نظریه‌ای را خدمت شما مطرح کنم و آن اینکه خیر عمومی فراتر از یک مفهوم است، بلکه یک نظریه تمدن‌شناسی است که در ورای آن مفاهیم گوناگون خواهیم داشت. در راستای بحث جامعه‌شناختی یا سیاست اثباتی نظریه‌ای وجود دارد که اصطلاحاً به آن نظریه ناهمسانی می‌گویند و نظریه دیگری به نام نظریه انسان‌های همانند نیز وجود دارد. اگر این دو معیار را در تمدن ایران ارزیابی کنیم، ایرانیان بیشتر طرفدار نظریه ناهمسانی هستند. بنابراین طبیعت دو نوع موجود آفریده، یا برده یا آقا؛ که برده هر کسی غیر از یونانی‌ها از جمله ایرانیان و آقا خود یونانیان بودند. در مسیر تحقق اندیشه در برده و آقا هم تقریباً همه مفهومی را قبول دارند که با ظهور تمدن اسلام اتفاق خاصی رخ داد و آن اینکه اسلام طرح نظریه برابری یا نظریه همانندی را مطرح کرد. نکته حائز اهمیت این است که نظریه همانندی با منش مردان اجرایی و سیاسی مرتبط است. نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر در نهج‌البلاغه نیز به همین موضوع اشاره دارد. قبل از نصیحت مالک اشتر جمله‌ای را به مالک می‌گوید و آن اینکه اینها هم‌دین‌های تو هستند، پس به مردم ظلم نکن و خیر عمومی را رعایت کن.

بنابراین در راستای نظریه انسان‌شناسی و همانندی انسان‌ها امام علی (ع) این موضوع را به مالک فرمودند. به نظر بنده این نظریه می‌تواند برای ما راهگشای مفید و خوبی باشد. امام علی (ع) نظریه ژن خوب را رد کرده که امروزه در جامعه ما مطرح است. همه ما با هم برابر و یکسان هستیم. مسلمان یا غیرمسلمان، شیعه یا غیرشیعه و... همگی خالق یک آفریدگار هستیم. امام خمینی (ره) نیز در صحیفه جلد ۱۶، همین نظر را دارد و معتقد است بشر یک نوع و یکی است.

طبق فرمایشات امام علی (ع)، حاکم باید کسی باشد که به نظریه همانندی معتقد باشد، نه نظریه ژن خوب. در دنیای مدرن اروپا تقریباً تا قبل از قرن هیجده به نظریه ناهمسانی معتقد بودند. در آستانه قرن هیجده نظریه همانندی پذیرفته شد. قانون حقوق بشر از همین نظریه ناشی شده است. در حوزه جامعه‌شناسی نیز نظریه سنتی را کنار گذاشته و به برابری انسان‌ها رسیدند.

حقوق بشر در اروپا بحث خوبی را مطرح می‌کند، اما در عمل هیچ کاری انجام نشده است. در واقع در شکل نظری به حقوق بشر معتقدند، اما عملاً ضد حقوق بشر عمل می‌کنند و از اینجاست که خیر عمومی خدشه‌دار می‌شود. امام خمینی در صحیفه بحث توسعه را مطرح کرده‌اند و معتقدند که انسان‌ها با هم برابرند، بنابراین اینکه ما توسعه نیافته هستیم، دلایل دیگری دارد.

بنده از لحاظ نظری معتقدم همه انسان‌ها با هم برابرند. دلیل توسعه نیافتگی را اشتباه در جست‌وجو می‌توان عنوان کرد.

امام خمینی دلایل مشکلات جامعه را در کجا دیده است؟ در فرهنگ، نظام سیاسی یا دولت دیده است. با تورقی در صحیفه امام متوجه خواهیم شد که اکثر مشکلات جامعه را در دولت‌ها دیده است.

حضرت امام می‌فرمایند مشکل ما، دولت ما و مشکل اسلام، دولت‌های اسلامی است. لذا اصلاحات از بالا آغاز می‌شود نه از پایین (صحیفه امام، جلد ۱۴: ۳۹۱).

«کسانی که در مقامی قرار دارند، اگر بخواهند مملکتی را اصلاح کنند و کشور را به آرامش برسانند، باید از بالا آغاز شود».

برای این هدف، باید برنامه‌ریزی خوبی انجام شود. اگر به گذشته برگردیم، در متفکرهای اسلامی بحث دولت، بسیار مشخص و واضح بوده است و متفکر شاخص این مبحث، ابن خلدون است. اساساً تحول تمدن اسلامی نیز به دولت برمی‌گردد. ابن خلدون نظریه خاص خود را در این خصوص دارد. دولت بر اساس شرایطی که پیدا می‌کند، دچار چرخش قدرت خواهد شد. ابن خلدون بین روانشناسی انسان و دلایل اجتماعی پیوند برقرار کرده است و معتقد است هر کس به قدرت می‌رسد، دولت را به سمت انحصارطلبی خواهد برد. بعد از به قدرت رسیدن امکانات اقتصادی به سمتشان خواهد آمد و در نهایت دنبال آرامش خواهند رفت.

در این راستا ابن خلدون دو روش سیاست عقلی و سیاست دینی را مطرح کرده است. سیاست عقلی به دست متفکران مطرح شده و مربوط به این دنیاست. در حالی که سیاست دینی فراتر از این دنیاست و مربوط به دنیای دیگری است.

در این زمینه می‌توان به یکی دیگر از متفکران به نام خواجه نصیرالدین طوسی اشاره کرد که دو سیاست فاضله و ناقصه را مطرح کرده است. ابن خلدون از سیاست فاضله خواجه نصیر به خیر عمومی یاد کرده است.

او معتقد است سیاستمداری که شیوه فاضله را انتخاب کند، به عدالت تمسک جوییده است؛ یعنی حاکمی سیاست فاضله را به کار می‌برد حتماً باید عادل باشد، مردم را دوستان خود بداند و اجتماع را مملو از خیرات عامه کند. به نظر خواجه نصیر خیرات عامه عبارت از امن بودن، مودت، عدل، عفاف، لطف و وفا است؛ بنابراین خواجه نصیر در کتاب ناصری خود این نظریه را مطرح کرده است. البته سیاست ناقصه برعکس این سیاست است و مردم را تحت سلطه و سیطره خود در خواهند آورد.

اخوان‌الصفاء گروهی بودند که کارهای خیلی خوبی انجام داده‌اند. یکی از سیاست‌هایی که اعمال می‌کنند، سیاست عامیت است و معتقدند سیاست بر جماعت است. این سیاست عبارت است از معرفت نسبت به مردم زبردست، شناخت حالات، احزاب، مذاهب و اهداف ایشان و تربیت مراسم و مراتب رسیدگی به امور عامه و اهداف جامعه و ایجاد اتحاد و عدالت در میان مردم؛ بنابراین متفکران اسلامی نیز به انحای مختلف به خیر عمومی توجه داشته‌اند. بر اساس بررسی‌های انجام شده بنده به نظریه «دولت و تمدن» دست یافتیم. لذا در یک تعامل مستقیم دولت می‌تواند جهت و مسیر تمدن را به سمت خیر عمومی و تأمین منافع عامه و صالحه گام بردارد و یا یک تمدن را به قهقرا بکشاند.

هیچ فرقی بین ما و دیگران در جهان وجود ندارد. ما در زمانی صاحب تمدنی بودیم که متأسفانه الآن نداریم. چراکه دولت مقتدر و خوبی نداریم. دولت خوب و کریمه دولتی است که اقتصاد خوب، روانشناسی خوب و... داشته باشد؛ بنابراین دولت بسیار حائز اهمیت است. لذا اینجاست که حکمرانی و حکمرانی خوب اهمیت پیدا می‌کند.

توسعه، مفهوم عام دارد. توسعه با مفهوم جدید در سطح جهانی مطرح شده است و آمریکایی‌ها این نظریه را مطرح کرده‌اند.

پیش از اینکه آمریکا و اروپا شکل رسمی داشته باشند، ایران دارای تمدن بزرگی بود، اما نظریه توسعه که در حال حاضر در جامعه ما استفاده می‌شود، به نظر نمی‌رسد خیلی در جامعه ما مطرح باشد.

جمع‌بندی بحث بنده این است که معتقد به نظریه «دولت/تمدن» هستم. کسی که حاکم دولت می‌شود باید معتقد به قواعد جامعه خود باشد. اگر پیشرفت‌هایی در ایران پس از انقلاب مشاهده کردیم، به دلیل اصلاحات دولت‌ها بوده است و اگر کمبودی هم وجود داشته، باز به دولت‌ها برمی‌گردد.

خیر عمومی، انتخابات و مسئله حکمرانی

دکتر علیرضا صالح مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور



از آنجاکه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری هستیم، از شما تشکر می‌کنم که بجا و شایسته موضوع خیر عمومی را مطرح کرده‌اید، چراکه این مسئله ممکن است روی انتخاب ما مؤثر باشد. در تعریف ساده از خیر عمومی باید گفت «خیر عمومی در بیشتر اصل‌ها یا همه اصل‌هایی که روی جامعه وجود دارد، مشترک است یا همه از آن نفع می‌برند. مجموعه‌ای از امکانات مادی و نهادی است که صلاح، صرفه، ابزارها، سیاست‌ها و اصلاحات ساختاری از آن استخراج می‌شود».

ما در بحث خیر عمومی عناصر اصلی را در نظر می‌گیریم که عبارتند از: آزادی و برابری؛ یکی از اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین مباحث زیرساختی حکمرانی در راستای خیر عمومی است که اگر روی ساختارها توجه کنیم، استقرار عدالت هم یکی از مباحثی است که باید به آن توجه کرد. استقرار عدالت؛ در حال حاضر در آستانه انتخابات ریاست جمهوری هستیم. کاندیدها قرار است خود را ارائه دهند و خیر عمومی و اشتراک منافع مردم را اضافه کنیم یا به حداکثر برسانیم. در این راستا کاندیدها باید کارهایی انجام دهند از جمله اینکه یا اصلاح ساختاری یا اصلاح سیاستی انجام دهند. خیر عمومی و خیر عامه و منافع مشترک را به حداکثر برسانیم.

اشتراک مفاهیم و اجماع‌سازی برای مسائل و چالش‌هایی که از خیر عمومی یا حداکثر کردن منافع عمومی از اهمیت خاصی برخوردار است.

در این زمینه دو موضوع را مطرح خواهیم کرد تا ملاحظه شود خیر عمومی چگونه است و انتخاب کدام کاندیدا به خیر و صلاح آنهاست و منافع مشترک آنها را به حداکثر برساند.

استقرار عدالت مفهومی است که می‌تواند در اشتراک منافع مردم مؤثر باشد. اگر سیاستگذار یا کسی که می‌خواهد این انتخاب را انجام دهد، دچار خطای تشخیص شود استقرار عدالت با خدشه روبه‌رو شده و خیر عامه تأمین نمی‌شود.

یک سیاست‌گذار استقرار عدالت را در نحو مختلف می‌تواند پیاده کند. ممکن است یک زمان در مباحث دفاعی اعمال کند، زمانی ممکن است در مباحث ادغام شدن در سیستم جهانی اعمال کند. برای نمونه امنیت کشور را می‌توانیم از دو طریق دفاعی و سرمایه‌گذاری خارجی دنبال کنیم.

مسئله دوم در عدالت آن است که؛ ممکن است راهبرد و اصلاح سیاستی ما به‌گونه‌ای باشد که یک سری کالا و خدمات را ارزان به دست مردم برسانیم یا در جای دیگر ممکن است رقابت را بالا ببریم.

سیاستگذار و حاکمی که قرار است انتخاب شود، می‌تواند برداشت‌های جامع و عامه جامعه را در استقرار عدالت طوری تعریف کند که ما را به درجات بالا یا تنزل درجات برساند. لذا تداوم اصول سیاستگذاری مبتنی بر خیر عمومی در حکمرانی می‌تواند مسیر متفاوت و متنوعی را پیش روی ما باز کند که لزوماً همه این مسیرها به موفقیت یا شکست منتهی نمی‌شود.

نظریه خیر عمومی به مثابه کنکاش در ساختار و کنش

دکتر علی ایمانی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

بحث خیر عمومی را به گونه‌ای می‌توان مطرح کرد که معنی خیر عمومی در قالب ساختار و کنش اجتماعی در یک مسیر تاریخی یا فرهنگی مورد ملاحظه قرار گیرد. با مراجعه به تاریخ، ادبیات و فرهنگ ایران در خصوص خیر عمومی مشاهده خواهیم کرد که مباحث مرتبط با خیر عمومی بسیار زیاد است. در ادبیات ایران مفهوم خیر عمومی با واژگان، الفاظ، زبان و طرق مختلف مطرح شده است.

همه این‌ها را می‌توان در قالب نظریه جامعه‌شناختی با عنوان «نظریه ساختاربندی» یا «تلفیق عامیت و ساختار» تحلیل کرد. بنابراین نمی‌توان به موضوع، یک‌طرفه و یک‌جانبه نگاه کرد، کما اینکه بخشی از موضوعات مطرح شده درباره خیر عمومی به ساختار و بخشی دیگر به کنش و کنشگر مربوط می‌شود.

اگر خیر عمومی را بخواهیم در جامعه ساری و جاری کنیم، باید در سطح کنش و ساختار دست به تغییراتی بزنیم. نهادهایی که در قالب فرهنگ رشد پیدا کرده و خیر عمومی در آن ساری و جاری می‌شود، باید در نظر گرفته شود. لذا به نظر می‌رسد تغییر ساختار و عامیت نیز می‌تواند در تأمین و تضمین خیر عمومی کارساز و مؤثر باشد.

بر اساس شعر فردوسی که گفته:

نباشد همی نیک و بد پایدار	همان به که نیکی بود یادگار
دراز است دست فلک بر بدی	همه نیکویی کن اگر بخردی
چو نیکی کنی، نیکی آید برت	بدی را بدی باشد اندر خورت
چو نیکی نمایندت کیهان خدای	تو با هر کسی نیز، نیکی نمای
مکن بد، که بینی به فرجام بد	ز بد گردد اندر جهان، نام بد
به نیکی بیاید تن آراستن	که نیکی نشاید ز کس خواستن
وگر بد کنی، جز بدی ندروی	شبی در جهان شادمان نغنوی

همان‌گونه که نمی‌توانیم بدون هزینه به توسعه برسیم، خیر عمومی هم به همین منوال است که بدون چشم‌پوشی از بخشی از امور شخصی به خیر عمومی نمی‌توانیم فکر کنیم و به توسعه دست یابیم.

شرایط تاریخی و اجتماعی ما به گونه‌ای رقم خورده که امروز نمی‌توانیم به توسعه یا گسترش خیر عمومی آن‌گونه که باید و شاید برسیم. برای این منظور حداقل در دو سطح کنشگر و ساختار نیاز به برنامه‌ریزی و اعمال تغییراتی هستیم تا بتوان خیر عمومی را در سپهر توسعه همه‌جانبه مستقر کنیم.

عاملان یا کنشگرانی که نظام سیاسی را راهبری می‌کنند، باید از نظر معرفت‌شناسی آمادگی لازم برای توسعه و خیرخواهی را داشته باشند. توسعه از این نظر یک بعد روانی و فرهنگی دارد که به شخصیت و خصایل فردی

تک‌تک کنشگران یک جامعه مربوط می‌شود. این امر از دو جهت زمینه لازم برای پذیرش مفاهیم و مقولات مرتبط با توسعه و خیر عمومی را فراهم می‌سازد. اول اینکه چگونه می‌توان یک شخصیت و یا کنشگری که خصلت کنش خیرخواهانه و یا توسعه‌گرا داشته باشد به وجود آورد. پاسخ به این سؤال به مسئله جامعه‌پذیری و فرایند اجتماعی شدن شهروندان برمی‌گردد. شهروندان هر جامعه طی فرایندی آموزش‌های لازم برای زندگی در جامعه خود را از طریق خانواده، نهاد آموزش و محیط اجتماعی فرامی‌گیرند. لذا در این مسیر می‌توان شهروندانی را تربیت و اجتماعی کرد که عناصر توسعه‌ای و کنش‌های خیرخواهانه را ملکه ذهن خود داشته باشند و در روابط و مناسبات اجتماعی خود متناسب با این اهداف کنشگری نمایند. دوم اینکه هر فرهنگی حاوی پیام‌هایی است. ارزش‌ها و آرمان‌های نهایی یک جامعه در آن متجلی و متبلور است، بنابراین می‌توان عناصر فرهنگی خیرخواهانه و توسعه‌گرا را از فرهنگ کلی و تمدنی یک جامعه جدا نموده و با ارائه برنامه‌ای برای طرح و برجسته‌سازی آنها، کنشگری خیرخواهانه را تقویت و پاسداری کرد. بدون ارزش‌گذاری و پاسداشت فرهنگی از چنین کنش‌هایی نمی‌توان از احاد یک جامعه انتظار کنش‌های متناسب با توسعه و گسترش خیر عمومی را داشت. لذا از این جهت خیر عمومی یک مفهومی جامعه‌شناختی می‌یابد. از این نظر دیدگاه‌های کنشگرا در جامعه‌شناسی نمود و باز نمود یک کنش را حاصل چنین فرایندی از اجتماعی شدن می‌شمارند. اگر کشوری توسعه یافته نیست و یا موانعی در توسعه آن وجود دارد به خصایل و کنش‌های افراد آن جامعه که خود نیز حاصل یک چارچوب فرهنگی و ساختاری تاریخی است برمی‌گردد. لذا اینجاست که اصلاح ساختارها و تغییرات ساختاری برای رسیدن به اهداف مهم و کلان از جمله توسعه و خیر عمومی مطرح می‌شود. ساختارها می‌توانند کنش‌های ما را جهت دهند و ما را اسیر خود سازند. بنابراین بستر مناسب برای یک کنشگر می‌تواند مهم و مؤثر باشد. خیر عمومی چیزی نیست که مربوط به یک فرد یا گروهی خاصی باشد، توسعه هم همین‌طور است. در اینجا می‌توان شق سوم مسئله را مطرح کرد. چه کسانی بستر مناسب و لازم برای توسعه و بسط خیر عمومی فراهم می‌کنند. اینجاست که نقش دولت و نظریه حکمرانی خوب مطرح می‌شود. امروز با تحقیقات انجام شده نقش دولت‌ها به‌عنوان قابله‌گران توسعه کاملاً آشکار شده است. حلقه واسط ساختار و عاملیت در این نظریه دولت‌ها هستند. اگر بخواهیم در سطح ساختاری تغییراتی را انجام دهیم تا یک جامعه بتواند به توسعه برسد چه کسی متولی آن است بدون شک مجموعه‌ای بنام دولت می‌تواند چنین کاری را انجام دهد و یا مسیر حرکت به سمت چنین کاری را برای جامعه فراهم کند. کنشگران را از لحاظ رفتاری چگونه می‌توان به سمت کنش‌های خیرخواهانه سوق داد. در اینجا نیز می‌توان گفت که این دولت‌ها هستند که با تدوین کتب درسی و ارائه آموزش‌هایی می‌توانند اعضای یک جامعه را به سمت عناصر و رفتارهای حاوی توسعه سوق دهند. به‌طور مختصر می‌توان گفت برای رسیدن به توسعه و خیر عمومی باید در دو سطح ساختار و کنش، برنامه‌هایی را پیاده‌سازی کرد تا بتوان در یک طیفی از سطح خرد تا کلان به یک اجتماع خیرخواهانه و سعادت‌مند رسید. در این میان قطعاً حکمرانی خوب نقش بسزایی می‌تواند داشته باشد.

پرسش و پاسخ

آقای عبدالله پور

اگر یکی از بازیگران اعم از دولت و حکمرانی محلی یا بخش خصوصی حضور نداشته باشند، آیا نمی‌توان گفت که حکمروایی داریم؟

آیا خیر عمومی نقش تسهیل‌گر در توسعه دارد یا می‌تواند به مثابه فرایندی از توسعه باشد؟

آقای رضایی

طبیعی است که وقتی بازیگران حکمرانی از دایره شمولیت به معنی واقعی کلمه نتوانند وظایف اصلی خود را به درستی محقق کنند، به سرمنزل مقصود نخواهیم رسید. معمولاً توسعه زمانی رخ خواهد داد که توسعه در جامعه حس شود. پس محصول توسعه باید در کف جامعه قابل درک باشد.

بنابراین وظایفی که برای هر یک از بازیگران اصلی حکمروایی قابل اشاره است، این است که باید در کنار شفافیت و پاسخگویی به مسئولیت و اختیارات نیز توجه داشت. در نتیجه همه مؤلفه‌ها در کنار یکدیگر قرار بگیرند تا بتواند به اهداف اساسی توسعه دست یافته و در این مسیر اثرگذار باشد.

سخن پایانی نشست

آقای صمیمی

پرسش مطرح این است که آیا اصولاً بین سه رکنی که در گزارش ارائه شد، ارتباطی وجود دارد یا خیر؟ ارتباط آنها از نوع عقلی است یا معمولی؟ یا ارتباط داده و ستانده؟ در این خصوص، زمان مناسب‌تر و فرصت بیشتری می‌طلبد تا سویه‌های مختلف این نظریه مورد کنکاش قرار گیرد. در اینجا از زحمات همه عزیزان تشکر می‌کنم و امید است که چنین بحث‌هایی راهگشای برنامه‌ریزی و توسعه در ایران باشد.

تصاویر نشست

The poster features a blue background with a white border. At the top left is a logo with the text 'پیش‌بینی آینده‌نگری' (Future Forecasting). At the top center is the emblem of the Islamic Republic of Iran with the text 'جمهوری اسلامی ایران' and 'مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری' (Center for Research in Development and Future Studies). The main title is 'چهار و پنجمین نشست علمی - تخصصی حکمروایی، نظریه خیر عمومی و توسعه در ایران' (4th and 5th Scientific-Specialized Symposium on Governance, Theory of General Welfare and Development in Iran). Below the title are five circular portraits of speakers: 1. دکتر علی ایمانی (Dr. Ali Amani), 2. دکتر بابزید مردوخی (Dr. Babzideh Mardokhi), 3. دکتر غلامرضا جمشیدینیا (Dr. Gholamreza Jemshidineya), 4. دکتر حسین رضایی (Dr. Hossein Rezaei), and 5. دکتر احمد صمیمی (Dr. Ahmad Samimi). Below the portraits are their titles: 'اعضای پستل و مباحث تکمیلی' (Posters and supplementary discussions), 'سخنران' (Speaker), and 'مدیر علمی نشست' (Scientific Symposium Director). At the bottom, it says 'تالار مجازی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری' (Virtual Hall of the Center for Research in Development and Future Studies) with the URL 'http://connect.mpong.ir/dfrc', 'دوشنبه ۳ خرداد ماه ۱۴۰۰ ساعت ۱۰ تا ۱۲' (Tuesday, 3rd Khordad month 1400, 10:00 to 12:00), and a location pin icon.

